

به مناسبت اول ماه مه

گامهای اخیر مبارزه کارگران در جهان و

خواستههای پایه ای جنبش کارگری در ایران

- جنبش کارگری، در ماههای اخیر، در بسیاری از کشورها رشد محسوسی کرده است :
- در فرانسه، طی چند هفته گذشته، مبارزات قاطع و دلیرانه کارگران، دانشجویان و دانش آموزان دبیرستانها، که به صورت تظاهرات میلیونی و اعتصابات وسیع در تمام نقاط این کشور گسترش یافت، حکومت شیراک - ویلین را به زانو در آورد و آنها را وادار به پس گرفتن قانون مربوط به نخستین قرارداد کار کرد : قانونی که با آزاد گذاشتن بازهم بیشتر دست کارفرمایان در اخراج کارگران و تنبیت و رواج هرچه بیشتر قراردادهای موقت و ناپایدار، به نا امنی و وضع فقیرانه کارگران، به ویژه کارگران جوان و دانشجویان و دانش آموزانی که برای نخستین بار وارد بازار کار می شوند دامن میزد. این قانونی بود که مجلس فرانسه آن را تصویب، شورای قانون اساسی آن را تأیید، و رئیس جمهور، چند روز پیش از پس گرفتنش، آن را توشیح کرده بود!
 - در انگلستان، در اواخر ماه مارس، حدود یک میلیون و نیم کارگر در اعتراض به تصمیم دولت مبنی بر لغو مقررات مربوط به بازنشستگی با حقوق کامل در سن ۶۰ سالگی، و نیز در مخالفت با سیاست دولت در زمینه بستن مدارس، مراکز ورزشی، کتابخانه ها و غیره دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب از پشتیبانی کارگران حمل و نقل و دیگر کارگران خدمات عمومی و شهری برخوردار بود. در این کشور همچنین اعتراضاتی به بستن یک کارخانه اتومبیل سازی در جریان است.
 - در آلمان، در بسیاری از استانها، کارگران خدمات عمومی، در اعتراض به تصمیم افزایش ساعات کار هفتگی از ۳۸ ساعت و نیم به ۴۰ ساعت، دست به اعتصاب زدند. همچنین کارگران یک کارخانه اتومبیل سازی برای افزایش حقوق دست به اعتصاب زدند. کارگران رشته فلز خواهان آموزش سه و نیم میلیون نفر کارگر شدند.
 - در نروژ، معلمان در اعتراض به ساعات کار پیشنهادی کارفرمایان اعلام اعتصاب کردند. آنان و نیز دیگر کارگران خدمات شهری خواستار افزایش حقوق شدند. جالب توجه است که کارفرمایان این کشور «دموکراتیک» از دادگاه خواستار غیر قانونی اعلام کردن اعتصاب معلمان به بهانه «سیاسی» بودن آن شدند!
 - در مکزیک، صد ها هزار کارگر معدن در اعتراض به عدم ایمنی در معادن این کشور دست به اعتراض و اعتصاب زدند. گازهای سمی معادن سال گذشته باعث کشته شدن ده ها کارگر شده بود.
 - در آرژانتین، کارگران مترو که خواستار افزایش مزد و بهبود شرایط کار بودند به دستور وزیر کشور از مترو بیرون رانده شدند و زیر فشار و بد رفتاری پلیس قرار گرفتند. وزیر کشور آنان را تهدید کرد که به سر کار برگردند وگرنه رهبران شان با مجازات روبرو خواهند شد.
 - در بولیوی، کارگران فرودگاه ها خواهان ملی شدن شرکت مسئول نگهداری فرودگاهها و عزل مدیر آن شدند. نیروهای نظامی و پلیس دولتی کنترل فرودگاهها را در دست گرفتند.
 - در ایالات متحده آمریکا، تظاهرات صدها هزار نفری، در پشتیبانی از مهاجران برای صدور اوراق اقامت دائمی و اجازه کار به آنان، صورت گرفت. بخش مهمی از تظاهر کنندگان کارگران و از جمله کارگران مهاجر بودند.
 - در کره جنوبی، برای مقابله با تصویب قانونی که به گسترش قرارداد های موقت کار دامن میزند، سازمانهای کارگری این کشور تهدید به اعتصاب عمومی کردند.

- در هند، کارگران فرودگاهها برای مقابله با خصوصی سازی اداره فرودگاهها دست به اعتصاب زدند. افزون بر این صدها هزار کارمند بانکهای دولتی این کشور برای افزایش حقوق و مزایای مربوط به دوران بازنشستگی اعتصاب کردند. همچنین کارگران قراردادی کارخانه موتور سیکلت سازی هوندا برای رسمی شدن دست از کار کشیدند، به رغم اینکه دادگاه در این مورد حکم داده بود که کارگران قراردادی نمی توانند رسمی شوند.

- در ایران، اعتصاب دلیرانه و مصمانه کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی و مبارزه آنان برای تثبیت و به رسمیت شناساندن سندیکای مستقلشان، می تواند به سرمشق و نقطه عطفی در مبارزه کارگران ایران تبدیل گردد. سرکوب وحشیانه این اعتصاب و دستگیری، شکنجه و زندانی کردن مسئولان سندیکای شرکت واحد و حتی دستگیری و زندانی کردن اعضای خانواده های این کارگران، توسط رژیم اسلامی، نشان دهنده دشمنی ددمنشانه این رژیم با کارگران و چاکری آن در برابر نظم سرمایه داری است. در همان حال در هفته های اخیر شاهد مبارزات بخشهای دیگر طبقه کارگر ایران در شکل اعتصابات، تحصنها، تظاهرات و غیره بوده ایم.

-

این مجموعه مبارزات کارگری در جهان نشانگر یک رشته ویژگیهای مشترک است که می توان آنها را چنین بر شمرد :

- در همه این جنبشها، بین سیاست و اقتصاد، یا به سخن دیگر بین منافع اقتصادی سرمایه داران و مدیران با مصالح سیاسی حکومتها، احکام دادگاهها و سرکوبی که نیروهای نظامی و انتظامی انجام می دهند، پیوند نزدیک دیده می شود : در نظام سرمایه داری، دستگاه دولتی، یعنی مجموعه نیروهای اجرائی، قانونگذاری و قضائی، همواره در خدمت سرمایه داران قرار دارد و سرکوبگر کارگران است. این جنبشها همچنین نشان می دهند که مبارزه کارگران برای بهبود شرائط اقتصادی و اجتماعی، یا حتی برای دفاع از سطح موجود زندگی و جلوگیری از وخامت بیشتر، با سد حکومت، نیروهای سرکوبگر آن، دستگاههای قانونگذاری و قضائی آن روبرو می گردد، یعنی **جنبه سیاسی به خود می گیرد**. پس کارگران نمی توانند از مبارزه سیاسی اجتناب کنند، آنان باید بدانند از سیاست گریزی نیست. بنابراین به حکم ضرورت آنان باید با چشم انداز سیاسی، یعنی **با سیاست خود**، وارد مبارزه شوند، چون در غیر این صورت مجبور خواهند بود دنباله رو سیاست طبقات دیگر و یا آلت دست آنها در مبارزات و بده بستنهایشان گردند.
- در همه مبارزاتی که در بالا ذکر کردیم شاهد یورش سبعانه سیاستهای نئولیبرالی به سطح زندگی کارگران، به تلاش سرمایه داران و دولتهایشان برای باز پس گرفتن دستاوردهای کارگری، به تبدیل صاف و ساده **قرارداد کار** به قرارداد صرفا **تجاری** و حذف هرگونه اختلاف بین انسان کارگر با هر کالا یا وسیله تولید دیگر که می توان آن را خرید و پس از استفاده بیرون انداخت هستیم و در همه جا شاهد مقاومت کارگران در مقابل این سیاستهایم، مقاومتی که رو به آینده دارد و نه گذشته، مقاومتی که مبارزه با نئولیبرالیسم در آن - دست کم در عرصه اقتصادی و اجتماعی - به معنی بازگشت به شکلهای اقتصادی و اجتماعی کهن نیست و درست به همین دلیل در عرصه های سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیکی نیز نمی تواند با هیچ ارتجاعی سازش کند.
- این مبارزات همچنین نشانگر نقش مهم کارگران خدمات به طور کلی و به ویژه خدمات عمومی در کنار کارگران صنعتی در همه کشورهاست و بیانگر این است که برخلاف تبلیغات و تمایلات طبقات حاکم، گردانهای جدید طبقه کارگر در کنار گردانهای « قدیمی » با حاکمیت سرمایه، در همه اشکال آن، مبارزه می کنند.

• افزون بر این یک ویژگی عام دیگر مبارزات کارگران رد سیاست سلطه طلبی و جنگ افروزی امپریالیستی است که با شرکت کارگران در تظاهرات میلیونی ضد جنگ و ضد تجاوز خود را به نمایش می گذارد.

کارگران این حقیقت بنیادی را نباید فراموش کنند که مبارزانشان و به طور کلی جنبش کارگری در هیچ شکل و هیچ مرحله ای، از مبارزات روزمره تا محو طبقات، **هرگز بدون تشکلهای مستقل طبقاتی کارگران به پیش نخواهد رفت!** این بدان معنی است که اولاً این تشکلهای باید اهداف طبقاتی، سیاست، تئوری، عملکرد و سازماندهی خاص خود را داشته باشند و در ابعاد طبقاتی فعالیت کنند، ثانیاً این تشکلهای باید مستقل باشند یعنی هیچ اراده ای جز اراده اکثریت اعضای هر تشکل آن هادی و حاکم بر آن نباشد، ثالثاً هر یک از این تشکلهای به درجات متفاوت درگیر همه اشکال مختلف مبارزه اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و فرهنگی است.

اساسی ترین و مهم ترین تشکلهائی که تاریخ جنبش کارگری جهان در حافظه خود دارد از این قرارند:

۱. سندیکاهای کارگری که سازمانهای صنعتی، خدماتی و بین رشته ای طبقه کارگرند و می توانند وسیع ترین بخشهای طبقه کارگر را دربر گیرند، این تشکل در شرائط حاکمیت سیاسی سرمایه عمدتاً برای بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی طبقه کارگر مبارزه می کند، اما به هیچ وجه این بدان معنی نیست که این تشکل می تواند از مبارزات سیاسی، حقوقی و فرهنگی طبقه کارگر به دور باشد!
۲. حزب سیاسی طبقه کارگر که نماد تشکل کارگران همچون یک طبقه و راهنمای آنان در تئوری و عمل در همه مراحل و همه شکلهای مبارزه طبقاتی است و وظیفه تعیین سیاست، استراتژی و تاکتیک مستقل طبقه کارگر را به عهده دارد.
۳. شوراها که تشکل یا ارگان در هم شکستن قدرت سیاسی بورژوازی پیش از انقلاب کارگری و ارگان اعمال قدرت سیاسی پرولتری پس از کسب قدرت سیاسی طبقه کارگرند و تنها می توانند در شرائط بحران انقلابی در یک کشور به وجود آیند.
۴. کمیته های کارخانه و محل کار که تشکل اداره و مدیریت تولید و خدمات اجتماعی پس از انقلاب کارگری اند که نطفه های پیدائی آنها معمولاً در شرائط بحران انقلابی به وجود می آید.
۵. سازمان برنامه ریزی اجتماعی کارگری که پس از انقلاب کارگری به وجود می آید و پیوند ارگانیک نهادهای فوق و تنظیم طرح و نقشه تولید و امور اجتماعی را به عهده می گیرد.

آری این پنج تشکل یا نهاد بنیانی طبقه کارگر آفریده مبارزه طبقاتی و محصولات تاریخی انقلابات بزرگ کارگری اند. کارائی انقلابی و بازده مثبت این سازمانها مستلزم عمل براساس نکات اساسی زیر است:

الف. هماهنگی بین این نهادها باید براساس اصل فرماندهی عام سیاست پرولتری و استقلال وظایف ویژه هر یک از آنها باشد.

ب. هر یک از این تشکلهای از سوی چهار تشکل دیگر کنترل شود.

پ. تسلط هر یک از این پنج تشکل بر چهار تشکل دیگر به ایجاد نوعی دیکتاتوری بر طبقه کارگر و توده ها و اخلال در ساختمان سوسیالیسم است.

در جنبش کارگری ایران، علاوه بر خصلتهای عامی که در چند نکته برشمردیم، مسائل و خواسته های ویژه ای هم وجود دارند که وظائف خاصی را به عهده طبقه کارگر این کشور می گذارند، کارگران ایران از هر نوع تشکل مستقل طبقاتی خود محرومند، روشن است دو تشکلی که می توانند در شرائط حاکمیت سرمایه به وجود آیند سندیکاها و حزب سیاسی طبقه کارگرند، این دو تشکل در شرائط خاص ایران باید در ترکیب معینی از مبارزه مخفی و علنی، و قانونی و غیر قانونی به وجود آیند. از این رو:

۱. ایجاد سندیکاهای مستقل کارگری (مستقل از کارفرمایان و عواملشان، مستقل از دولت، مستقل از احزاب سیاسی و مستقل از نهادهای دینی) برای سازماندهی مبارزات اقتصادی و اجتماعی کارگران باید یکی از خواسته های اساسی جنبش کارگری ایران باشد.

۲. یکی دیگر از خواسته‌های اساسی جنبش کارگری، باید ایجاد حزب سیاسی برای تدوین سیاست، استراتژی و تاکتیک طبقه کارگر ایران، و در هم شکستن قدرت سیاسی رژیم جمهوری اسلامی باشد. نکته ای که در اینجا اهمیت خاصی دارد این است که تنها پذیرش ضرورت تشکل مستقل کارگری کافی نیست، علاوه بر آن نباید ضرورت انواع این تشکلهای، وظائف و عملکردهای آنها و زمان ضرورت پیدائی آنها را با یکدیگر قاطی نمود.

در شرائط کنونی شعارهای زیر باید در دستور مبارزه کارگری ایران قرار گیرد :

- اول ماه مه، روز اتحاد و همبستگی کارگران همه کشورها در مبارزه به ضد سرمایه و دولتهای سرمایه داری و عید بین المللی کارگران است!
- آزادی فوری و قرار منع تعقیب همه کارگران زندانی!
- حق اعتصاب برای همه کارگران، عدم دخالت پلیس، نیروهای انتظامی و مسلح برای پایان دادن به اعتصاب و بازگرداندن اجباری کارگران به سر کار!
- بازگشت کارگران اعتصابی اخراج شده به سر کار و پرداخت حقوق روزهای برکناری به آنان!
- ایجاد و گسترش بیمه بیکاری و تضمین حقوق مکفی برای ایام بیکاری؛ نظارت تشکلهای مستقل کارگری بر عملکرد صندوقهای بیکاری!
- ایجاد و به رسمیت شناختن سندیکاهای مستقل کارگری (مستقل از کارفرمایان و عواملشان، مستقل از دولت، مستقل از احزاب سیاسی و مستقل از نهادهای دینی)!
- پرداخت مزد برابر به زنان و مردان برای کار یکسان!
- عدم تبعیض جنسی در استخدام، اشتغال و تصدی مسئولیتها!
- منع کار کودکان تا ۱۶ سالگی؛ حداکثر ۴ ساعت کار در روز برای نوجوانان بین ۱۶ تا ۱۸ سال!
- حداقل مزد هیچ کارگری نباید از خط فقر با در نظر گرفتن میزان تورم و بارآوری کار کمتر باشد!
- به رسمیت شناختن پیمانهای جمعی کار که با سندیکاهای مستقل کارگری یا نمایندگان منتخب کارگران بسته می شوند!
- آزادی بیان، قلم، عقیده و فکر، گردهمایی، تظاهرات، مطبوعات و دیگر رسانه های جمعی!
- آزادی فوری زندانیان سیاسی و عقیدتی و منع تعقیب آنان!
- مرزبندی و مبارزه با عظمت طلبی، تعصبات دینی و ملی و سیاستهای میلیتاریستی رژیم جمهوری اسلامی ایران!

پیش به سوی تشکلهای مستقل کارگری و تدارک انقلاب کارگری!

زنده باد اتحاد کارگران همه کشورها ! زنده باد سوسیالیسم !

۵ اردیبهشت ۱۳۸۵ ، ۲۵ آوریل ۲۰۰۶ ، جمعی از کمونیستهای ایران (آدرخش)

www.azarakhsh-org.net

email@azarakhsh-org.net